

اشاره

در دو دهه اخیر، مسئله حجاب و عفاف همواره یکی از دغدغه های مهم دینی، فرهنگی و اجتماعی بوده که گاه مورد توجه دستگاه ها و نهادهای دولتی و عمومی قرار گرفته است.

به همین دلیل، صاحب نظران، کارشناسان و پژوهشگران سعی کرده اند درباره این موضوع از ابعاد مختلف فقهی، کلامی، جامعه شناسی، روان شناسی، حقوقی، سیاسی و حتی اقتصادی به تحقیق و اظهار نظر بپردازند. در این میان، رسانه های جمعی اعم از دیداری، شنیداری و مکتوب، نقش انکارناپذیری در ترویج یا تضعیف فرهنگ حجاب و عفاف در سطح عموم داشته اند.

به جرئت می توان گفت مسئله حجاب و عفاف زنان از معدود مسائلی است که رسانه های داخلی بدون هیچ گونه طرح مدّوّنی به آن پرداخته اند و بیشتر دچار سردرگمی گردیده اند. بعضی اوقات دفاع و پرداخت به شیوه نادرست، آثار منفی برجای گذاشته و موجب سوء استفاده بیشتر شده است. نمونه آشکار و بزرگ آن رسانه ملی است که کاملاً مشهود است؛ در این موضوع برنامه مدونی ندارد و گاهی دچار تناقض می شود.

در این مقاله کوتاه در پی پاسخ به سه پرسش اساسی هستیم:

1. جایگاه حجاب و عفاف در فرهنگ اسلامی چیست؟
2. آسیب ها و مشکلات رسانه ها در این خصوص، چگونه است؟
3. سیاست ها و راه کارهای ترویج آن کدام است؟

1. جایگاه حجاب و عفاف در فرهنگ اسلامی

عفاف و پاکدامنی از آشکارترین نشانه های زندگی و سلامت جامعه اسلامی، و حجاب اسلامی یکی از مهم ترین نمادهای تمایز آشکار میان جوامع اسلامی و غیر اسلامی به شمار می رود. در پرتو رعایت حجاب و التزام به عفاف است که شخصیت انسانی زن حفظ و زمینه های رشد و تکامل زن و مرد در ابعاد مختلف فراهم می شود. در پرتو حجاب، پیوندها و علایق خانوادگی استحکام و دوام می یابد، امنیت و آرامش روحی و روانی به وجود می آید و حضور سالم و کارآمد زنان که نیمی از پیکره جامعه را تشکیل می دهند، در ابعاد گوناگون سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و ... تضمین می شود. شاید به همین سبب باشد که «حجاب» از ضروریات دین اسلام به شمار آمده است.

بسیاری از پژوهشگران و اندیشمندان حوزه دین و اجتماع، یکی از ریشه های مهم مشکلات و نابسامانی های جوامع را، فقدان یا ضعف حیا و عفاف می دانند و در نگاه کلی، می توان اساسی ترین علل فساد و نابودی جوامع و انحراف از مسیر اصیل و ناب پیامبران الهی را، یکی فراموش کردن عبادت و عبودیت و دیگری پیروی از شهوات نام برد، که هر دو با بی بند و باری جنسی و کنار گذاشتن حیا و عفاف و نماد روشن آن؛ یعنی حجاب، ارتباط مستقیم دارد. قرآن کریم می فرماید:

(فَخَلَفَ مِنْ بَعْدِهِمْ خَلْفٌ أَضَاعُوا الصَّلَاةَ وَاتَّبَعُوا الشَّهَوَاتِ فَسُوفَ يَلْقَوْنَ غَيًّا) [1]؛

«آنگاه پس از آنان جانشینانی به جای ماندند که نماز را تباه ساختند و از هوس ها پیروی کردند و به زودی سزای گمراهی خود را خواهند دید».

بدین سان، اقوامی که از دین خدا و آموزه های وحیانی پیامبران خود اطاعت نکردند و به جای آن، پیروی از شهوات را که در رأس همه آنها شهوات جنسی و فساد اخلاقی است، برگزیدند، همواره محکوم به هلاکت و نابودی بوده اند.

در دوره اسلامی نیز به گواهی تاریخ، یکی از عوامل مؤثر در افول حکومت مسلمانان در اندلس، رواج می گساری، زن بارگی و خریداری کنیزکان آوازه خوان و در یک کلام، رواج بی بندوباری جنسی و به فراموشی سپرده شدن ارزش های اسلامی همچون: حجاب، عفاف، حیا و ... از سوی فاتحان این سرزمین بود. [2]

تاریخچه ورود سکس و برهنگی به زندگی بشر

پیشینه رواج برهنگی و سکس، عمدتاً به دوره شکل گیری رنسانس در اروپا و فراگیرشدن آن در نقاط مختلف و صنعتی شدن اروپا و به وجود آمدن وسایل ارتباطی پیشرفته باز می گردد که حیا، عفت، پوشش، پاکدامنی و در نهایت پارسایی، اندک اندک از جامعه انسانی فاصله گرفت. این تحول نه تنها سبب جدایی انسان غربی از ارزش های الهی و معنوی شد، بلکه به دلیل تفوق و تسلط غرب، رفته رفته فرهنگ برهنگی به ویژه از طریق هنر و ادبیات در فرهنگ دیگر ملل، رسوخ کرد که می توان از سینما به عنوان یکی از مهم ترین ابزارهای ترویج برهنگی در غرب و کشورهای دیگر نام برد.

بدین ترتیب، کم کم عشق، جای خود را به سکس داد و هنر که ترجمان عالم معنا بود، تبدیل به آینه دنیای صورت شد و در این میان سینما که «هنر هفتم» نام گرفته بود، آینه تمام نمای ابتذال گردید. سرمایه داران نیز سینما را با سکس پیوند دادند و تلویزیون هم سینما را هر شب، به همه خانه ها به ارمغان برد. متأسفانه در کشور اسلامی ما نیز تلویزیون مهم ترین رسانه ملی، پیش از انقلاب در فضای فرهنگی کاملاً الهام گرفته از فرهنگ غرب، ظهور کرد و همان نگاه ابزاری سینمای غرب به زن، به تلویزیون ایران نیز انتقال یافت.

با پیروزی انقلاب اسلامی و تحولات عمیقی که در سیاست کلان کشور و فرهنگ عمومی مردم پدید آمد، رسانه ملی نیز دستخوش تغییر شد و عمده مظاهر فساد و برهنگی از صفحه تلویزیون کنار رفت و فعالیت های هنری و نمایشی به دور از ابتذال آغاز شد و گسترش یافت. ولی نکته مهمی که از آن غفلت شد، روش ها و ابزارهای رسانه در زمینه چگونگی جذب مخاطب و اثر گذاری بیشتر بر او بود که دچار تغییر چندانی نشد و کار اساسی صورت نگرفت. از این رو، به تدریج در تلویزیون شاهد ورود سکس پنهان بودیم، به این معنا که برخی فیلم سازان که با ممنوعیت استفاده از ظاهر و جذابیت های زنانه روبه رو شدند، برای جبران این خلأ و به جهت جذب مخاطب و فروش و سود بیشتر، به فاکتورهایی همچون: محوریت زیبایی چهره در انتخاب بازیگر، به ویژه بازیگران جوان، پوشش های تنگ و نامناسب در عین حفظ حدود شرعی حجاب گر چه به تدریج به بهانه ها و به شیوه های مختلف حدود الزامی حجاب نیز نادیده گرفته شده است [3]، به تصویر کشیدن روابط آزاد و صمیمانه زن و مرد در قالب همکار، دوست، همسایه و ...، طرح عشق های آتشین به دنبال یک نگاه، آرایش های غلیظ و محرک به بهانه گریم، استفاده از چهره های جذاب و بدون حجاب بازیگران خارجی در سریال های ایرانی و ضبط بخش هایی از فیلم ها در فضای عمومی کشورهای غرب زده که اخیراً مرسوم شده است روی آوردند و بدین ترتیب تلویزیون به عنوان رسانه تصویری عمومی و اثرگذار، در برخی موارد به یکی از عوامل ایجاد ناهنجاری در حجاب

بانوان و عفاف در سطح عموم تبدیل شد و همین امر بهانه ای گردیده است تا مخالفان حجاب، عملکرد تلویزیون را به عنوان شاهد استدلال های خود به رخ بکشند.

2. آسیب ها و مشکلات [4]

ضمن سپاس از تلاش هایی که تا کنون از سوی رسانه ها در خصوص حجاب و عفاف انجام پذیرفته است، اما به نظر می رسد برای ترویج آن باید گام های بیشتری برداشته می شد که به علی از انجام آن بازمانده اند و این، خود نیازمند آسیب شناسی جدی و دقیق است.

1. یکی از مهم ترین آسیب ها و مشکلات این است که در ساختار مدیریتی رسانه ها، همه چیز بخش بندی شده و بخش معارف دینی یا مناسبت های دینی در عرض و کنار بخش ها و گروه های دیگر قرار دارد، به ویژه در رسانه ملی؛ در حالی که دیدگاه دینی باید بر تمام بخش های رسانه دیداری، شنیداری و نوشتاری، حاکم باشد. رسانه نخست باید تلقی درستی از دین و مفاهیم دینی داشته باشد تا بتواند مثلاً حجاب را که بخشی از دین است، به شیوه های مختلف و به شکل شایسته برای مردم تبیین کند.

بنابراین جداسازی برنامه های دینی و معارفی از سایر برنامه های جذاب و سرگرم کننده، آسیب جدی در رسانه است. به عنوان مثال، رسانه ملی با تأسیس شبکه قرآن یا رادیو معارف، گویا به تعهد دینی خود عمل کرده است. گر چه این امر در جای خود ارزشمند و قابل تقدیر است، ولی باعث شده است که در شبکه های دیگر به مباحث معرفتی کمتر توجه شود.

2. سطحی نگری و بسنده کردن به مطالب صرف علمی و خشک و سهم ناچیز هنر و ادبیات، باعث می شود که القای معارف بدون جذابیت لازم صورت گیرد. از این رو، بخش عمده ای از برنامه های رسانه ها برای سطح تحصیل کرده جامعه قابل استفاده است؛ در حالی که عمده کسانی که حجاب را رعایت نمی کنند، حاضر به تحقیق و تعقل درباره این موضوع نیستند و بیشتر باید غیرمستقیم مورد خطاب قرار گیرند. و یا در برنامه ها، نوعی سطح نگری و ساده انگاری وجود دارد.

3. یکی دیگر از اشکالات مهم و عمده رسانه ها در زمینه حجاب، ضعف برنامه ریزی دقیق و هماهنگ و عدم اهتمام جدی به ترویج فرهنگ عفاف و پوشش اسلامی است. در یک کلام انسان نمی تواند مسئله حجاب را به عنوان جریان فرهنگی در رسانه ها پی گیری کند. هر چه هست، کار مقطعی است که به مناسبت هایی مثل ماه رمضان، تابستان و ... آن هم بسیار سطحی مطرح می شود. بدیهی است فرهنگ سازی یک ارزش و هنجار دینی یا اجتماعی، نیاز به برنامه مدوّن و جریان سازی مناسب دارد، والاّ ممکن است نه تنها تأثیرگذار نباشد، بلکه موجب دلسردی و دلزدگی شود.

4. اگر برنامه نسبتاً مدوّن و سیاست اصولی نیز در دستگاه ها و رسانه ها وجود داشته، تا کنون این سیاست ها کمتر ضمانت اجرایی داشته اند؛ به خصوص محصولات رسانه ملی که عملاً جذاب ترین و پرمخاطب ترین رسانه است، عمدتاً بر اساس طرح ها و ایده های سلیقه ای و شخصی برنامه سازان تهیه شده اند.

در رسانه ملی، حرف آخر را نویسندگان و سازندگان برنامه ها می زنند و تشکیلاتی هم برای هدایت و ارزیابی مسئولیت آنان وجود ندارد. شاید بتوان گفت سیاست های سیما در زمینه عفاف و حجاب مشخص است، ولی این سیاست ها به بخش تولید برنامه ها راه نیافته اند؛ در نتیجه انتقادات و پیشنهادات در این زمینه بی پاسخ مانده اند.

5. تهران محور بودن رسانه ها در این زمینه و بسیاری از مقولات فرهنگی اجتماعی، از دیگر آسیب هاست. رسانه ها از جمله صدا و سیما، معمولاً تهران را محور برنامه سازی خود قرار می دهند. در بسیاری موارد این مسئله باعث می شود که روند تغییر برخی از هنجارها به ناهنجارها و ارزش ها به ضد ارزش ها در کل کشور تسریع شود. در واقع تهران به دلیل شرایط خاص، بسیار سریع تر در معرض ناهنجاری ها از جمله «بدحجابی» قرار می گیرد و چون محور برنامه های رسانه ها تهران است، فضای حاکم بر شهر تهران به دیگر شهرها منتقل می شود.

6. جداسازی حجاب از عفاف و حیا، یکی از آسیب های دیگر است. وقتی صرفاً محور مباحث حجاب باشد و نه عفاف، آنچه از آموزش ها و برنامه های تبلیغی رسانه حاصل می شود، آن چیزی نیست که قلب و ذهن را تحت تأثیر قرار دهد. «عفت» حالتی نفسانی و درونی است که با فطرت انسانی سازگار است و یکی از نمادهای آن، حجاب است که به عفاف و حیا صورت و شکل می دهد و حتی گاهی در عمل، عفت که حالت نفسانی و درونی است، با حجاب به تعارض می رسند.

به عنوان مثال، چادر یک نه بزرگ به نامحرمان است. لذا عقلاً نمی توان پذیرفت که خانمی چادر به سر کند، ولی در عین حال رفتارهای باز، مراودات مستمر و طولانی مدت و ارتباطات سهل الوصول با نامحرمان را داشته باشد. چگونه است که مجریان یا بازیگرانی که چادر دارند، در عین داشتن حجاب، روابط غیرمستعارف و غیر شرعی با نامحرمان را دارند؛ مانند گپ زدن با میهمانان مرد برنامه ها و همکاران تلویزیونی، هم صحبت شدن طولانی با مردان نامحرم در نقش های مقابل، یکی به دو کردن ها، شوخی ها و گفتن حرف های شبه عاشقانه و حتی عاشقانه و عاطفی؟ معلوم نیست خانمی که در ارتباطات کلامی و غیرکلامی خود، به حداقل هنجارها و عفاف قناعت می کند، چگونه در گزینش نحوه پوشش، حجاب حداکثری را برمی گزیند؟ [5]

7. امروزه اکثر نشریات عمومی در طرح های روی جلد یا صفحات حساس و پرخواننده و نیز در کتاب ها و از همه مهم تر برخی برنامه های نمایشی تلویزیون، سینما و تئاتر به روال نشریات و فیلم سازان خارجی، برای جذب مخاطبان از تصاویر زنان زیبا با آرایش های تند و غلیظ بهره می گیرند و آن دسته از نشریاتی که تا حدودی می خواهند حرمت نگه دارند، از تصاویر دختران خردسال و غیربالغ ولی با آرایش های زنانه استفاده می کنند. این نوع نگاه ابزاری به زن، که حقیقتاً با روح حجاب و عفاف کاملاً مغایر است، در واقع بازگشت خزنده و پنهان و کم رنگ همان رسانه های قبل از انقلاب و خارجی است.

8. غالباً در داستان ها، رمان ها، تصاویر، فیلم ها و سریال ها، نقش های منفی و مشاغل سطح پایین جامعه مانند مستخدمه و ... برای زنان چادری اختصاص می یابد، ولی زنانی که حجاب کاملی ندارند، به عنوان زنان تحصیل کرده، موفق، مؤثر و اجتماعی قلمداد می شوند. طبق ارزیابی به عمل آمده از ابتدای سال 1380 تا پایان سال 1383 در سریال های تلویزیونی در 56 سریال، پوشش چادر، تحقیر یا تضعیف شده است؛ بدین شکل که پوشش چادر اختصاص به زنان فقیر، بی سواد، مستخدمه، سالخورده و زنان درمانده مانند زنان بیوه و همسر مردان معتاد نشان داده شده یا از آن به عنوان پوششی برای حضور در قبرستان، مجالس عزاء، زندان و غیره استفاده شده است!

3. سیاست ها و راه کارها

در بعضی از مباحثی که ذکر کردیم، به سیاست ها و راه کارها نیز اشاره شد. در اینجا موارد دیگری را یادآور می شویم:

الف) سیاست ها

تبیین سیاست ها و برنامه های شوم دشمنان در ارتباط با شکستن حریم عفاف و حجاب؛

تبیین و تشریح آثار مثبت عفاف و حجاب و حیا و آثار زیان بار نادیده گرفتن آنها؛

ترغیب نهادهای دولتی و مردمی به رعایت عفاف و حجاب از درون خود؛

تبیین صحیح الگوی ارتباط با زنان و مردان در اجتماع، به ویژه دوستی های دختران و پسران و پیامدهای

نامطلوب ارتباط ناصحیح؛

ارائه و ترویج الگوهای مطلوب و جذاب حجاب و عفاف؛

ارائه آمارها و مستندات از کشورها و جوامع بی بند و بار و آثار سوئی که گریبان گیر آنان شده است، به ویژه

جوامع غربی؛

تهیه گزارش های مستند و مناسب از وضعیت بی حجابی و آثار سوء اجتماعی، فردی و خانوادگی که بر بعضی از

افراد بدحجاب گذاشته است.

ب) راه کارها

تعریف و تبیین محدوده حجاب و عفاف برای مدیران و دست اندرکاران رسانه ها، به ویژه صدا و سیما و نشریات

مختص زنان، خانواده و جوانان؛

تربیت نیروهای کارشناس در بحث حجاب و عفاف و امور بانوان از میان کارآمدترین نیروهای رسانه ها؛

تشویق و ترغیب مدیران کلان و میانی رسانه ها به حساسیت در برابر بدحجابی، هم در میان کارکنان و هم

محتوای مطالب رسانه ای خود؛

برگزاری نشست ها و همایش ها برای دست اندرکاران رسانه ها؛

تشکیل ستاد برنامه ریزی و اجرایی برای نهادینه کردن موضوع حجاب و عفاف در رسانه ها و رصد کردن این

موضوع در جامعه؛

تهیه گزارش های مستند و منتقدانه از عملکرد دستگاه های مربوط؛

عدم استفاده از تصویر زنان بدحجاب و دختران زیباروی با آرایش غلیظ در مطبوعات و صدا و سیما؛

عدم پخش فیلم های محرک و مهیج که زنان بدحجاب نقش های اصلی را دارا هستند؛

عدم شخصیت پردازی و الگوسازی از زنان هنرپیشه ایرانی که معمولاً فسادهای دیگر در گذشته و حال خود دارند.

استفاده از پوشش های سنتی و غیر محرک در تصاویر و فیلم ها؛

تبیین استدلالی احکام شرعی حجاب و عفاف (مستند به قرآن و روایات و سیره معصومان)؛

تبیین علل و ریشه های شیوع بدحجابی در جامعه و نقش عوامل مختلف خصوصاً رسانه هایی چون: اینترنت،

ماهواره و ... در تضعیف حجاب و فرهنگ عفاف؛

تبیین مقام، کرامت و منزلت زن؛

پوشش خبری مناسب از برنامه های جشن تکلیف دختران در سراسر کشور؛

تهیه و انتشار ویژه نامه های جذاب برای اشاعه فرهنگ حجاب.

پی نوشت ها :

1 . مریم./59

2 . فرهنگ و تمدن اسلامی، علی اکبر ولایتی، قم، دفتر نشر معارف، 1384ش، ص146

3 . یکی از علل عمده در خطای دست اندرکاران و متولیان رسانه های تصویری و شنیداری، برداشت سطحی از مفهوم حجاب و مفاهیم مرتبط با آن از جمله: عفاف، حیا، خلوت، تَبَرُّج، اختلاط و .. می باشد که به عمق این مفاهیم و مصادیق و نمادهای آن شناخت ندارند.

4 . ر.ک: فرهنگ برهنگی و برهنگی فرهنگی، غلامعلی حداد عادل، تهران، سروش، 1374ش.

5 . مقاله «خانم های چادری سیما»، علی جعفری، ماهنامه تخصصی خانه هنر و اندیشه، رواق اندیشه، س6، ش62، ص 34.